



## چالش‌های بازار کار ایران در شرایط رکود تورمی

سیستم حداقل حاصل به هم پیوستن چندین جریان به هم وابسته تحول است که در یک فرآیند یادگیری متقابل و همه‌جانبه می‌تواند کشنده فقر و آفت بیکاری باشد.

اگر نگاهی به داده‌ها و اطلاعات بازار کار داشته باشیم شاید تصویری بهتر از واقعیت بتوانیم ارائه دهیم. بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، عرضه نیروی کار ۲۴/۱۱ میلیون نفر، تقاضای نیروی کار ۲۰/۵۲ میلیون نفر، جمعیت بیکار ۳/۵ میلیون نفر، نرخ بیکاری برابر با ۱۴/۸ درصد، نرخ مشارکت معادل با ۳۸/۱ درصد است. البته بر اساس برآوردهای غیررسمی در سال ۱۳۹۰، عرضه نیروی کار ۲۶/۷۵ میلیون نفر، تقاضای نیروی کار ۲۲ میلیون نفر، جمعیت بیکار ۴/۷۵ میلیون نفر، نرخ بیکاری ۱۷/۵ درصد، نرخ مشارکت ۴۲/۲ درصد است.

با نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور از جمله نرخ رشد منفی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و کاهش انواع سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی می‌توان تقاضای نیروی کار را در خوشبینانه‌ترین حالت معادل با سطح تقاضای نیروی کار ۱۳۹۰ در نظر گرفت، منتها وضعیت عرضه نیروی کار، جمعیت بیکار و نرخ بیکاری بسیار نگران‌کننده می‌شود. براساس داده‌های رسمی در سال ۱۳۹۲ تعداد بیکاران حدود ۲/۵ میلیون نفر می‌باشند اما اگر تعریف وسیع بیکاری که شامل همسایگان دورنزدیک آن و کسانی که در معرض بیکاری هستند در نظر بگیریم، احتمال اینکه سطح و نرخ بیکاری حدود دوبرابر افزایش یابد، وجود دارد.

با چنین چشم‌اندازی شاید اولین مساله مورد توجه دلایل اصلی انباشت سطح بیکاری باشد. که می‌توان به دلایلی چون کاهش رشد سرمایه‌گذاری و تولید، سیاست تجارت خارجی و الگوی واردات نامناسب، شیوع و



حسن طایبی

معاون امور اشتغال و کار آفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اشتغال مساله و دغدغه زندگی امروزی خانواده‌ها و اعضای آنهاست و البته امری پیچیده، چندوجهی، فرادستگاهی و بهتر بگوییم فراقوه‌ای است و حل آن نیازمند هماهنگی و مشارکت بین دستگاه‌های مرتبط و قوای سه‌گانه و همچنین بازیگران اجتماعی است. در دنیای امروز بیکاری یکی از جلوه‌های فقر اجتماعی و اقتصادی است، در مقابل «جوهر کار و اشتغال» در وجود آدمی شاید بزرگ‌ترین موهبت و دارایی یک انسان تلقی شود. به عبارت دیگر تهیدست کسی نیست که دستان تهی داشته باشد، بلکه کسی است که دستان بی‌ابزار داشته باشد. خواه این ابزار پتک باشد، خواه موس. مهم این است که انسان با ابزار می‌تواند در عرصه اقتصاد و اجتماع کنشگری، فعال و قابل باشد. برای اینکه انسان‌ها دارای ابزار برای ابراز حیات باشند، یعنی بیکار نباشند و شغل داشته باشند، باید بدانیم که اشتغال محصول یک سیستم است. اشتغال به هیچ‌وجه نمی‌تواند خروجی یک سیاست اقتصادی باشد بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌ها در چارچوب یک نظام منسجم فکری و اجرایی می‌تواند اشتغال را برای آحاد جامعه به ارمغان آورد.

بنابراین قبل از هر چیز باید توجه داشت که اشتغال محصول یا خروجی یک سیستم یا نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. این



گسترش فعالیت‌های نامولد و سوداگرانه اشاره کرد. چرا که اشتغال به تبع تولید حاصل می‌شود و بیکاری معلول روابط کلان اقتصادی و نظام سیاستگذاری است.

شرایط خرد و کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجادکننده چنین وضعیتی عبارت از:

- ۱- کاهش رشد متغیرهای اساسی اقتصاد کلان نظیر تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری کل عوامل تولید
- ۲- شکل‌گیری جمعیت ۳۶ میلیون نفری زیر ۲۵ سال در دهه ۷۰ و ۸۰
- ۳- مهاجرت از روستاها به شهرها و تشکیل دوگانگی توزیع منابع طبیعی در کل کشور و تمرکز منابع انسانی در شهرها
- ۴- کاهش سهم اعتبارات عمرانی به نفع هزینه‌های جاری در بودجه‌های سنواتی
- ۵- پیشی گرفتن هزینه‌های استهلاک دارایی‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در برخی سال‌ها
- ۶- فقدان شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش و ارتباطات عمودی و افقی فعالیت‌ها و مشاغل در سطح نگاه‌ها، صنعت و بازار
- ۷- مهاجرت ممتد نخبگان و نوآوران اقتصادی، علمی، اجتماعی و تپیدن عرصه فعالیت‌ها از کارآفرینان
- ۸- گسترش آموزش عالی و فقدان شکل‌گیری نظام یادگیری و نوآوری در



**باجود تحقق  
رشد تولید  
مذکور، بازار  
کار کشور  
هنوز وضعیت  
چندان مطلوبی  
به لحاظ نرخ  
مشارکت  
منابع انسانی  
در فعالیت‌های  
اقتصادی  
نخواهد داشت.**

سطح ملی، مناطق و بنگاه‌ها.  
۹- نبود یا ضعف تشکلهای کارگری و کارفرمایی و سازمان‌های صنفی و تخصصی  
۱۰- تشنج‌ها و تنش‌های سیاسی در سطح محیط بین‌المللی و محیط داخلی

۱۱- اتخاذ سیاست تجارت خارجی به نفع کشورهای خارجی  
۱۲- بی‌اهمیت شدن اقتصاد متکی بر تولید ملی در مقابل اقتصادی مبتنی بر سوداگری  
۱۳- سیاست‌های ناصحیح مالی، اعتباری و پولی سال‌های اخیر و تغییرات سریع و بی‌ثباتی آنها

**نرخ رشد اقتصادی مطابق با اهداف سند چشم‌انداز**

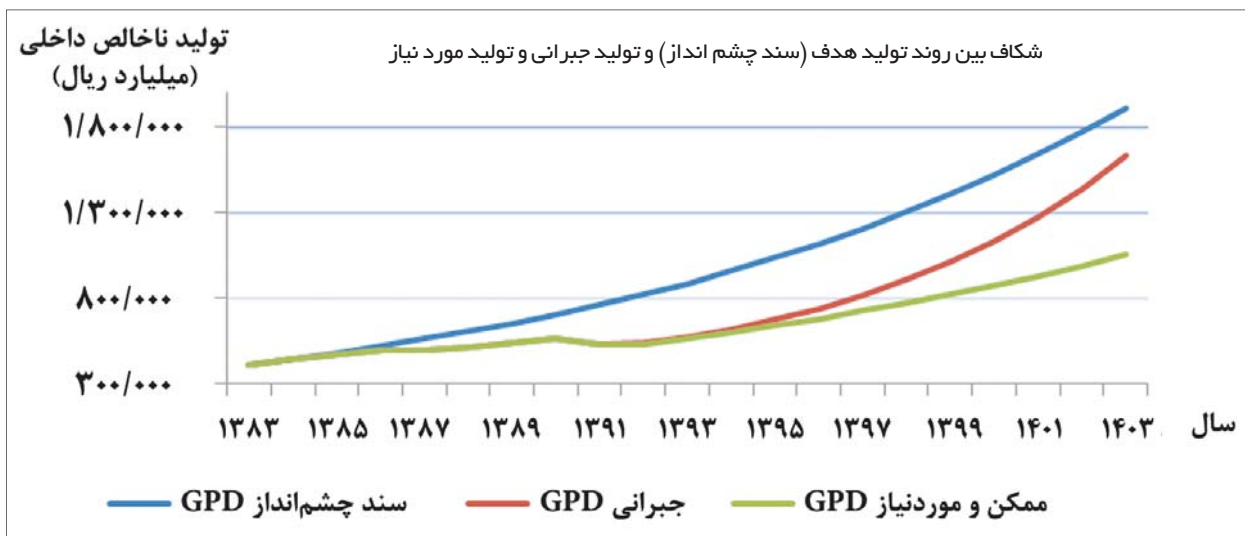
سطح تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۱ به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ بالغ بر ۵۲۷ هزار میلیارد ریال بوده است. در صورتی که طبق اهداف برنامه چهارم و پنجم توسعه و سند چشم‌انداز باید بالغ بر ۷۶۰ هزار میلیارد ریال باشد. این تفاوت در هدف و عملکرد زمینه‌ساز شکل‌گیری جمعیت میلیونی بیکار در کشور بوده است.

نرخ رشد تجمعی تولید در کشور بر اساس سند چشم‌انداز در طول سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ باید ۸۵ درصد باشد، اما کشور با رشد ۲۹ درصدی تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه مواجه بوده است. به عبارت دیگر کسری رشد ۵۶ درصدی تولید ناخالص داخلی یکی از علل بیکاری میلیونی در کشور است.

**شاخص‌های بازار کار در سال ۱۴۰۰**

بر اساس داده‌ها و اطلاعات بازار کار می‌توان پیش‌بینی کرد که در سال ۱۴۰۰ برابر با ۳۵ میلیون نفر جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار داشته باشیم. اگر در سال مذکور نرخ بیکاری ۱۰ درصد مورد نظر باشد، جمعیت شاغل هدف گذاری شده بالغ بر ۳۱/۵ میلیون نفر (رشد سالانه ۴/۴ درصد) خواهد شد. برای نیل به چنین وضعیتی در بازار کار نیازمند نرخ رشد تولید ناخالص هفت درصد در هر سال هستیم. اما ناگفته نماند که بر

شاخص‌های بازار کار				
سال / موضوع	۱۳۹۰ (سرشماری)	۱۳۹۰ (برآوردهای غیر رسمی)	طرح آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۲	۱۴۰۰ پیش‌بینی
جمعیت فعال (میلیون نفر)	۲۴.۱	۲۶.۷۵	۲۳.۸	۳۵
جمعیت شاغل (میلیون نفر)	۲۰.۵	۲۲	۲۱.۳	۳۱.۵
جمعیت بیکار (میلیون نفر)	۳.۵	۴.۷۵	۲.۵	۳.۵





۵- تقویت و ایجاد بخش‌های تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری در محصول و فرآیند در بنگاه‌های تولیدی و به‌کارگیری نیروی‌های متخصص جوان

۶- شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش و ارتباطات عمودی و افقی فعالیت‌ها و مشاغل در سطح بنگاه‌ها، صنعت و بازار (راهبرد تکمیل زنجیره‌های ارزش)

۷- توانمندسازی، جامعه‌پذیری، اشتغال‌پذیری و اشتغال‌زایی در مقیاس خانگی، خرد و کوچک در مناطق مرزی (راهبرد توان‌افزایی فردی و اجتماعی)

۸- اتخاذ سیاست‌های اقتصاد کلان موثر بر بازار کار (نظارت جدی بر امر صادرات و واردات، نرخ پایین تورم و نرخ پایین سود تسهیلات بانکی)

۹- اتخاذ سیاست‌های فعال، حمایتی و تنظیم بازار کار در چارچوب سیاست‌های وزارتخانه‌ها و بخش‌های اقتصادی کشور

در بخش نهادی کاستی‌های مهمی نیز احساس می‌شود، از جمله:

- ۱- مقدم‌بودن توزیع بر تولید در بین همه اقشار و گروه‌ها
  - ۲- مقدم‌بودن مصرف بر تولید در بین همه اقشار و گروه‌ها
  - ۳- تمایل به‌کارگری تا کاردوستی که از پیامدهای آن می‌توان به پایین‌بودن نرخ مشارکت و بهره‌وری پایین اشاره کرد.
  - ۴- فقدان ذهنیت‌های صحیح و تلقی‌های علمی از سازوکار بازار کار
  - ۵- ارتباط ناکافی بین بخش‌های مالی و بانکی با بخش‌های تولیدی
  - ۶- اثرگذاری شدید تحولات سیاسی بر ادوار تجاری
  - ۷- علاقه‌مندی به کالاهای خارجی زمینه‌ساز اتخاذ سیاست‌های تجارت خارجی به نفع واردات
  - ۸- بی‌ثباتی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی
- با توجه به وضع موجود و برگرفته از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای بازار کار، برای تحقق هدف یادشده راهبردها و اقدام‌های اجرایی در نظر گرفته شده است.

- ۱- تقویت مدیریت و سیاست‌گذاری بازار کار
- ۲- بهبود نظام اطلاعات بازار کار
- ۳- توسعه سه‌جانبه‌گرایی
- ۴- حمایت مالی از طرح‌های اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی
- ۵- پایدارسازی کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط اقتصادی
- ۶- حمایت‌های فنی از بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی
- ۷- توسعه مشاغل خانگی، خوداشتغالی و کسب‌وکارهای خرد
- ۸- افزایش انعطاف در بازار کار
- ۹- ساماندهی اشتغال اتباع خارجی
- ۱۰- ساماندهی و توسعه اشتغال ایرانیان خارج از کشور
- ۱۱- حمایت از اشتغال مناطق محروم و اقشار خاص
- ۱۲- گسترش اشتغال بخش خدمات
- ۱۳- ساماندهی آموزش‌های مهارتی
- ۱۴- گسترش تور حمایت از بیکاران
- ۱۵- توسعه کار آفرینی و مشاغل نو
- ۱۶- توسعه اشتغال بخش تعاون



## اشتغال محصول

یا خروجی  
یک سیستم یا  
نظام اقتصادی،  
اجتماعی،  
سیاسی و  
فرهنگی است.

این سیستم

حداقل حاصل

به‌هم پیوستن

چندین جریان

به‌هم وابسته

تحول است که

در یک فرآیند

یادگیری متقابل

و همه‌جانبه

می‌تواند کشنده

فقر و آفت

بیکاری باشد.

اساس دیدگاه‌های کارشناسی و علمی اقتصاددانان کلان، مسیر رشد بالاتر از خط روندی چهار الی پنج‌درصدی تولید ناخالص داخلی برای دهه ۱۴۰۰-۱۳۹۰ بسیار دشوار و نامحتمل به‌نظر می‌رسد. در صورت تحقق مسیر رشد هفت‌درصد، سطح تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش نسبت به قیمت‌های سال ۱۳۷۶ خواهد گردید. این سطح از تولید حدود ۵۷ درصد سطح تولید پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز است.

باتوجه به روندهای گذشته، قدر مسلم این است که میزان نرخ رشد سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت باید بیش از هفت‌درصد البته با کارآیی بالا برسد تا تولید و اشتغال مطلوب تحقق یابد. بدیهی است که مسیر توسعه (نرخ رشد هفت‌درصد) سطح اشتغال، بهره‌وری و رفاه اجتماعی متفاوتی از مسیر موردانتظار از سند چشم‌انداز را برای جامعه ما به ارمغان خواهد آورد.

موضوعی که باید در اینجا مورداعیان نظر قرار گیرد، این است که باوجود تحقق رشد تولید مذکور، بازار کار کشور هنوز وضعیت چندان مطلوبی به لحاظ نرخ مشارکت منابع انسانی در فعالیت‌های اقتصادی نخواهد داشت. بسیاری از شاغلان دارای شغل مولد و موردانتظار نخواهند بود و حجم زیادی از ایشان مشاغل پاره‌وقت و نیمه‌وقت خواهند داشت.

بنابراین با توجه به وضعیت بازار کار باید بگویم اصولاً پدیده‌ای که در بازار کار ایران شاهد آن هستیم ربط اندکی به مقوله رکود تورمی دارد. رکود تورمی به موقعیتی اطلاق می‌شود که اقتصاد همزمان با نرخ‌های تورم بالا، با کاهش نرخ رشد اقتصادی به کمتر از نرخ میانگین بلندمدت آن و نرخ بیکاری بالا، درگیر است. اما آنچه در اقتصاد و بازار کار ایران شاهد آن هستیم به هیچ‌وجه ناشی از رکود تورمی نیست بلکه به عوامل ساختاری در جمعیت و عرضه نیروی کار طی چندین دهه انباشته‌شده برمی‌گردد.

سعی کرده‌ام بارها و بارها عدد ۲۲۳۵ را برای این منظور به کار گیرم که تعداد ۲۲ میلیون فرصت شغلی سال ۱۳۹۲ باید به ۳۵ میلیون نفر عرضه نیروی کار سال ۱۴۰۰ افزایش یابد. بنابراین در جامعه‌ای که نیاز دارد معادل ۵۰ درصد نیروی کار شاغل خود، در یک مدت کوتاهی شغل ایجاد کند، چه الزامات و اقداماتی لازم است؟

وضعیت حاد بازار کار ایران در صورت اعمال سیاست‌های خروج از رکود تورمی و توفیق تام‌وتمام آن همچنان خطرآفرین و نگران‌کننده است. برای حل این مسایل و برون‌رفت از وضعیت کنونی توصیه‌های سیاستی و راهکارها را می‌توان اینگونه طبقه‌بندی کرد:

- ۱- برای حل معضل اشتغال باید به تولید اندیشید، همه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید بر محور افزایش سطح تولید ناخالص داخلی باشد
- ۲- افزایش کمی و بهبود کیفی سرمایه‌گذاری و گسترش کارآیی استفاده از سطح موجودی سرمایه (راهبرد ظرفیت اسمی، راهبرد تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و نظارت چندجانبه بر سرمایه‌گذاری)
- ۳- افزایش مقیاس اقتصادی تولید در بنگاه‌های اقتصادی و حرکت به‌سوی اقتصاد متنوع
- ۴- ساماندهی نظام داده و اطلاعات بازار کار پیش‌شرط هرگونه سیاست‌گذاری و نظارت در آن بازار